

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته : حسن لافی، نویسنده و محقق فلسطینی
برگردان از : احمد مزارعی
۲۵ اپریل ۲۰۲۱

پرتاب راکت به مرکز اتمی «دیمونا» در اسرائیل ، ریشه و دلایل آن

مؤسسات نظامی اسرائیل این را درک کرده اند که مسیر رودروئی نظامی با محور مقاومت در منطقه به منافع آنان خدمت نمی کند، و مهمتر این که احتمال شکست اسرائیل در این میان بسیار وارد است



انفجار در مرکز «نطنز» ایران و آنچه که در این باره در رسانه های امریکا به وسیله اسرائیل تبلیغ شد این بود که اسرائیل عامل این انفجار بوده است ، همان چیزی که رسانه های اسرائیل نیز به تبعیت از ارگانهای سیاسی خود آن را اینچنین تبلیغ کردند، این اقدام به مثابه خط قرمزی بود که مثلاً اسرائیل آن را برای مذاکره کنندگان مسأله هسته ئی ایران و بازگرداندن امریکا ترسیم نمودند .

باید دانست که اختلاف نظر میان امریکا و نتانیاهو در دوره ریاست جمهوری بایدن در مورد مسأله قرارداد هسته ئی ایران به این معنا نیست که هم پیمانی آنها دچار وقفه خواهد شد و یا این که جو بایدن از حمایت از اسرائیل دست بر خواهد داشت، اما هدف نتانیاهو اینست که با فشار آوردن بر هم پیمان امریکائی خود بتواند از قدرتمند شدن محور مقاومت در منطقه و گسترش نفوذ آن که به عنوان موضوع اصلی در ضمن مذاکرات مابین ایران و جامعه بین المللی

مشخص شده است کم کرده و آن را بی اثر نماید و همچنین مطالبی اساسی و حیاتی باشد بر حفظ امنیت ملی اسرائیل در منطقه و این که امریکائیها در این رابطه تنها به حل مسأله هسته ئی ایران اکتفا نکنند .

ریشه این سیاست و درخواستهای اسرائیل از آنجا نشأت می کند که اسرائیل سیاست خود را بر این ستراتیژی بنا نهاده بود که بحران سوریه همچون باتلاقی خواهد شد که در ادامه بی پایان خود بتواند مجموع محور مقاومت را در خود غرق کند. اسرائیل در این ستراتیژی خود به هم پیمانان بین المللی، به ویژه امریکا و ابزارهای منطقه ئی آن، از گروههای تروریستی گرفته تا سیاست «عادی سازی» رابطه با اسرائیل و استفاده از امکانات کشورهای خلیج (فارس) می تواند منافع و خواسته های خود را پیش ببرد و در ادامه بحران سوریه را به سایر کشورهای منطقه انتقال داده بدون این که اسرائیل و منافع آن دچار آسیب گردد .

با پایان گرفتن بحران سوریه ، ستراتیژی اسرائیل دچار ضربه هولناکی گردید . اسرائیل به یک باره با این فاجعه روبه رو شد که محور مقاومت نه فقط از بحران سوریه شکست نخورد بلکه این محور با خروج از کوران بحران سوریه نه فقط از نظر نظامی بسیار قدرتمند تر سر بر آورد همچنین به سراسر جغرافیای منطقه نیز گسترش یافت ، و مهمتر این که میان اعضای محور مقاومت منطقه خاورمیانه رابطه بسیار نزدیکی به وجود آمده به طوری که اسرائیل در محاصره آتشین «سه بعدی»، انطوری که مراکز تحقیقاتی اسرائیل می نامند، قرار گرفته است (۱) . اما از نظر ما در شرایط فعلی محور مقاومت در هر نوع درگیری که در آینده اتفاق بیفتد ، از اعتماد به نفس کاملاً بیشتری برای پیروزی بر اسرائیل برخوردار است، به ویژه باید گفت که این محور پس از تجربه به شکست کشاندن طرح تجزیه و متلاشی کردن سوریه ، تجربه طرح شکست دادن داعش در منطقه (۲) ، اسرائیل را در مقابله با مجموعه محور مقاومت قرار داده که البته اسرائیل به تنهایی نیست بلکه شامل محور «صهیو - عربی - امریکائی» خواهد بود .

باید گفت که نتانیاهو در خلال مسیر سیاسی و اقتصادی خود کوشش بسیار نمود تا در سه سطح ، از وجود دونالد ترامپ بیشترین بهره برداری را در حمایت از «ائتلاف «صهیو - امریکی - عربی» بنماید .

یکم - خروج امریکا از برنامه هسته ئی و اعمال سیاست گسترده ترین و سخت ترین تحریمها در زمینه اقتصادی بر ایران و محور مقاومت در کلیت خود .

دوم - ایجاد شرایطی مشابه رودرروئی نظامی و علنی میان امریکا و ایران ، امری که منجر به ترور شهید قاسم سلیمانی گردید و در نتیجه متوقف ساختن برنامه خروج نظامی امریکا از منطقه خاورمیانه که در نهایت باعث قدرتمند تر شدن اسرائیل گردید .

سوم - در این مرحله ترامپ کوشش و فشار زیادی به کار گرفت تا رابطه محرمانه و مخفی اعراب و اسرائیل را تحت نام «قرارداد ابراهیم» (۳) تبدیل به علنی و آشکارا گرداند ، این اقدامات مشترک نتانیاهو و ترامپ یک ائتلاف «عربی ، اسرائیلی - امریکائی» را در منطقه به ظهور رسانید .

از سوی دیگر مؤسسه نظامی در اسرائیل به این درک رسید که رودرروئی آشکار با محور مقاومت منطقه به مصلحتش نیست و مهمتر این که احتمال شکست اسرائیل در این درگیری وارد است ، در عین حال اسرائیل این منظور را از نظر دور نمی داشت که باید قدرت محور مقاومت را محدود کند ، از این نظر ستراتیژی «درگیری مابین دو جنگ» را در سطحی محدود برای مقابله با محور مقاومت در پیش گرفت که ممکن بود پیروزیهای تاکتیکی برایش دربر داشته باشد زیرا اسرائیل در این مرحله مطمئن شده بود که از این پس نمی تواند تهدیدهای ستراتیژیک محور مقاومت را از میان بردارد .

در این زمان در فضای استراتژیک محور «اسرائیلی - عربی - امریکائی» تغییرات زیادی حاصل شد که به عدم استقرار داخلی حکومت اسرائیل انجامید پیروزی بایدن در انتخابات امریکا از یکطرف و دردیگر سو، پایداری سرسختانه محور مقاومت از طرف دیگر، در این میان به ویژه ایستادگی جانانه ایران در مقابله با فشارهای حد اکثری امریکا. این وضعیت می طلبد تا اسرائیل در استراتژی خود در مقابله با محور مقاومت تجدید نظر کند.

اسرائیل در این مرحله می کوشد با دامن زدن به استراتژی «درگیری میان دو جنگ» و در خلال عملیات امنیتی و مخفیانه، آنچنان که درنظنر اتفاق افتاد و با درپیش گیری روش تبلیغاتی مغایر که اعتماد بر اعلان مسؤولیت خود به طریقه ای غیر مستقیم می باشد و کمتر سابقه داشته است، عمل می کند.

با این هدف اسرائیل می کوشد تا جو بایدن را که ملزم به حمایت از صهیونیسم می باشد درگیر شرایط و فشارهایی کند که نتواند هرگونه قرارداد و توافق با ایران را در مسأله هسته ئی امضاء کند و بدین شکل محور مقاومت و ایران همچنان درگیر مشکلات و موانع هسته ئی، منطقه ئی و بین المللی باشند.

در مقابل این معضل اساسی اسرائیل و دامن زدنش به عملیات امنیتی در شکل تازه آن در منطقه، تنها برخورد قاطعانه محور مقاومت است که اجازه ندهند اسرائیل به این ماجراجوییها دست بزند، محور مقاومت برای منع اسرائیل از اقدامات ماجراجویانه اش اگر لازم باشد باید وارد رودر روئی مستقیم با اسرائیل گردد. به نظر می رسد پیام راکتی نامعلوم، که اخیراً بنا به گفته اسرائیل از منطقه بلندیهای جولان پرتاب گردیده و در نزدیکی موقعیت بسیار حساس مرکز هسته ئی «دیمونا» در دولت اسرائیل سقوط کرد و از فاصله ۲۰۰ کیلومتری از بالای آسمان فلسطین اشغالی عبور کرده بود بدون این که سیستمهای «پیشرفته» ضد راکتی اسرائیل بتواند آن را کشف و منهدم کند، ارسال این راکت پیام روشنی به اسرائیل بود که:

هر پیسه گمان مبر که خالیست شاید که پلنگی خفته باشد

زیرنویسهای مترجم:

۱ - اسرائیل از طرف لبنان، سوریه و غزه در محاصره و طرف دیگر بحر است که در آنجا نیز امنیت زیادی ندارد.

۲ - داعش اساساً با کمک اصلی امریکا و افسران عالیرتبه ترکیه تشکیل گردیده بود تا بتواند عراق را اشغال و مرزهای ایران را نا امن کند که سپاه پاسداران فوری و با ارسال نیروی عظیمی و ایجاد کمربندی به دور بغداد مانع رسیدن داعش به مرز ایران گردید. هدف دیگر داعش بستن همه راههای مرزی عراق به سوریه بود تا ایران نتواند به لبنان و سوریه ارتباط داشته باشد، ایران در صدد بردن دو خط لوله گازی که به نام خط صلح معروف بود و شش میلیارد دالر برایش سرمایه در نظر گرفته شده بود، این خط مقرون به صرفه ترین راه فروش گاز ایران به اروپا بود که از دو شهر فلوجه و موصل می گذشت و به بندر طرطوس در سوریه وصل می شد، این خط در نزدیکیهای فلوجه متوقف و داعش مانع ادامه آن شد، بستن این راه هدف استراتژیک امریکا علیه ایران بود نقش اصلی در متلاشی کردن داعش و شکست طرح امریکا و ترکیه را قاسم سلیمانی به عهده داشت و...

۳ - قرارداد ابراهیم: ترمپ به اعراب خلیج فارس و عربستان، فلسطینیها و اسرائیلیها توصیه کرد که چون همه ما از نوادگان حضرت ابراهیم هستیم نباید با یک دیگر دعوا کنیم و اسرائیل هم که فرزند اولیه حضرت ابراهیم است بهتر است ریاست ویا «افسار» شماها را به عهده بگیرد و برادروار در زیر پرچم اسرائیل به زندگی ادامه دهید. ترمپ هم میان شما میانجی باشد.

شنبه ۲۴ اپریل ۲۰۲۱